

اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا دولتشاه در غرب کشور

جعفر آقازاده^۱، فرزاد خوش آب^۲، سجاد حسینی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

از صفحه ۲۵ تا ۵۰

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی

سال هشتم، شماره بیست و هشتم، بهار ۱۴۰۰

چکیده

فتحعلی شاه با انتخاب عباس میرزا به عنوان ولیعهد، رقابت و مخالفت سایر شاهزادگان به ویژه محمدعلی میرزا را برانگیخت. او با اعمال سیاست انتصاب فرزندانش به حکومت ایالات و ولایات، ضمن برقراری نظم و امنیت در سرتاسر ممالک محروسه ایران، فضای رقابتی بین شاهزادگان حکمران قاجار را تشدید کرد. در این میان محمدعلی میرزا در سال ۱۲۲۱ هـ. ق/ ۱۸۰۶ م به حکومت کرمانشاهان و مناطق غربی ایران منصوب شد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است و در صدد پاسخ به این سؤال است که محمدعلی میرزا چه اقدامات امنیتی-انتظامی در غرب ایران انجام داد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد، محمدعلی میرزا با اقدامات امنیتی-انتظامی متعددی به تثبیت جایگاه خود پرداخت و به رقابت با عباس میرزا پرداخت. او با اصلاحات نظامی در قشون، تثبیت مرزهای ایران در مقابله با عثمانی‌ها، کنترل ایلات و عشایر و استفاده از توان نظامی آن‌ها در سرکوب مخالفان و برقراری امنیت در منطقه تحت سلطه‌اش، خود را به یکی از مقتدرترین شاهزادگان کشور و رقیب جدی عباس میرزا برای قبضه سلطنت تبدیل کرد.

کلید واژه‌ها:

محمدعلی میرزا، امنیتی، فتحعلی شاه قاجار، عباس میرزا، کرمانشاهان.

۱- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: j.agazadeh@uma.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

۳- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۱. مقدمه

انتخاب عباس میرزا به ولیعهدی، حق فرزندان ارشد فتحعلی‌شاه برای رسیدن به این مقام را نقض می‌کرد. با رسمی شدن ولیعهدی عباس میرزا مخالفت‌ها با این تصمیم بیشتر شد. امیدواری فرزندان فتحعلی‌شاه برای رقابت با ولیعهد رسمی، ریشه در سنت تاریخی ایران داشت که بر اساس آن، توانایی نظامی و امنیتی در مقایسه با انتصاب رسمی به ولیعهدی، نقش بیشتری در رسیدن به تاج و تخت ایفا می‌کرد. در کانون و مرکز مخالفان، محمدعلی میرزا دولت‌شاه فرزند ارشد فتحعلی‌شاه قرار داشت. انتصاب او به عنوان حکمران مناطق غرب و جنوب غربی ایران در سال ۱۲۲۱ هـ ق/ ۱۸۰۶ م. فرصت مغتنمی در اختیارش قرار داد تا شایستگی و برتری خود را در امور امنیتی و نظامی به همگان ثابت نماید. حکمرانی او در کرمانشاهان (۱۲۲۱-۱۲۳۷ هـ ق)، یکی از دوران رونق و آبادانی این منطقه محسوب می‌شود. او در سیاست امنیتی و نظامی و همچنین در ارتباط با همسایه غربی ایران و درگیری با سپاه روسیه اقتدار فزاینده‌ای از خود نشان داد و چهره یک شاهزاده مقتدر و کاردان را از خود در اذهان ترسیم نمود. مقاله حاضر بر اساس این پرسش اصلی تکوین یافته که محمدعلی میرزا چه اقدامات امنیتی-انتظامی در غرب ایران انجام داد؟ در پاسخ به این سؤال چنین مفروض است که محمدعلی میرزا با استناد به ارشدیت، ولیعهدی عباس میرزا را به رسمیت شناخت. او در مقام حکمران کرمانشاهان با اقدامات امنیتی-نظامی متعدد، خود را به یکی از مقتدرترین شاهزادگان کشور و رقیب جدی عباس میرزا در منازعه ولیعهدی تبدیل کرد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهشی منسجم و مستقل با موضوع اقدامات امنیتی-انتظامی محمدعلی میرزا در کرمانشاهان انجام نشده است؛ اما در موضوع زندگی محمدعلی میرزا و مسئله جانشینی پژوهش‌های پراکنده‌ای صورت گرفته است. این مطالعات را می‌توان را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- دسته اول؛ نائیبان و دیگران (۱۳۹۱) و آقازاده و خوش‌آب (۱۳۹۵)؛ مسئله ولیعهدی در دوره آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه را مورد بررسی قرار داده‌اند و در ضمن آن به دلایل محرومیت محمدعلی میرزا از ولیعهدی، اعتراض‌های وی به

انتصاب عباس میرزا و تنش‌های او با فتحعلی‌شاه توجه کرده‌اند. این پژوهش‌ها بیشتر بر دلایل و پیامدهای مسئله ولیعهدی در دوره اول قاجار تأکید دارند و در رابطه با اقدامات امنیتی و نظامی محمدعلی میرزا برای کسب قدرت به صورت گذرا به اصلاحات نظامی او اشاراتی داشته‌اند. در این پژوهش سعی بر این است که تمامی اقدامات امنیتی و انتظامی محمدعلی میرزا برای تبدیل خود به قدرتمندترین شاهزاده کشور و مدعی جدی ولیعهدی بررسی شود.

۲- دسته‌ی دوم؛ گراوند و خوش‌آب (۱۳۹۸)، خاکسار بلداجی و کجیاف (۱۳۹۴)، اقدامات محمدعلی میرزا در تقابل با پاشاهای بغداد را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما نوع نگاه به این مسئله که اقدامات او در تقابل با عثمانی‌ها برای تثبیت جایگاه خود در جهت رسیدن به قدرت بوده را نادیده گرفته و به صورت توصیفی به جنگ‌های ایران و عثمانی در مرزهای غربی توجه کرده‌اند.

۳- دسته‌ی سوم؛ نظیر کشاورز (۱۳۹۵) آثاری هستند که زندگی محمدعلی میرزا را به صورت کلی و بدون تحلیل و نوآوری خاص مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که تاکنون پژوهش‌های جامعی که به تحلیل تکاپوهای امنیتی و انتظامی محمدعلی میرزا در قالب رقابت با عباس میرزا و رسیدن به قدرت بپردازد، انجام نگرفته است. این مقاله در تلاش است تا با نگاهی نو به منابع و اسناد آرشیوی که مورد غفلت پژوهشگران پیشین قرار گرفته، پرتویی نو به موضوع پژوهش بپردازد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. واکنش محمدعلی میرزا به ولیعهدی عباس میرزا

محمدعلی میرزا بزرگترین فرزند فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۰۳ هـ. ق. ۱۷۸۹ م. در قصبه‌ی نوای مازندران از بطن کنیزی گرجی به دنیا آمد. در این سال فتحعلی‌شاه صاحب چهار فرزند پسر دیگر هم شد (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۲۲۹). محمدعلی میرزا از جمله فرزندان فتحعلی‌شاه بود که زیر نظر شخص آقامحمدخان تربیت شد و در سفرهای جنگی شاه قاجار را همراهی کرد. ویژگی بارز او در این دوره، جسارت و بی‌باکی بود که حتی شخص آقامحمدخان را هم تحت تأثیر قرار می‌داد. توصیه آقامحمدخان به

فتحعلی‌شاه برای انتخاب عباس‌میرزا به عنوان ولیعهد خود، باعث نفرت عمیق محمدعلی‌میرزا از آقامحمدخان و عباس‌میرزا شده بود. او علی‌رغم کودکی، بدون ترس از هیبت آقامحمدخان، عباس‌میرزا و آقامحمدخان را به خاطر محروم کردن او از ولیعهدی به قتل تهدید کرده بود (دروویل، ۱۳۸۰: ۲۹-۲۸؛ عضالدوله، ۱۳۷۶: ۱۴۱). محمدعلی‌میرزا در سال ۱۲۱۲ هـ ق برای مدتی کوتاه به حکومت فارس منصوب شد، سپس به حکومت خراسان منصوب شد و بعداً به حکومت قزوین رسید. او در حکومت این منطقه لیاقت و کاردانی زیادی از خود نشان داد و روحیه مبارز خود را با شکار رفتن‌های مکرر و دوری از حرمسرا افزایش داد (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۹؛ خورموجی، ۱۳۸۰: ۴۲۸؛ فسایی، ۱۳۸۲: ۶۶۹/۱-۶۶۸). او در ۱۸ سالگی به حکومت کرمانشاهان منصوب شد و تا پایان عمر در این منطقه حکمرانی کرد (۱۲۲۱-۱۲۳۷ هـ ق/۱۸۰۶-۱۸۲۱ م).

جدول ۱- ترتیب سنی شاهزادگان متولد ۱۲۰۳ هـ ق.

ردیف	عنوان شاهزاده	تاریخ تولد
۱	محمدعلی‌میرزا	۷ ربیع الثانی ۱۲۰۳/۵ زانویه ۱۷۸۹
۲	محمدقلی‌میرزا	۲۳ رمضان ۱۲۰۳/۱۷ ژوئن ۱۷۸۹
۳	محمدولی‌میرزا	۱ شوال ۱۲۰۳/۲۵ ژوئن ۱۷۸۹
۴	عباس‌میرزا	۴ ذی‌الحجه ۱۲۰۳/۲۶ اوت ۱۷۸۹
۵	حسینعلی‌میرزا	۱۲ ذی‌الحجه ۱۲۰۳/۳ سپتامبر ۱۷۸۹

(سپهر، ۱۳۹۰: ۱/۵۲۷-۵۲۴؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۰۸).

با اقدامات و تمهیدات متعدد نظامی و سیاسی آقامحمدخان قاجار، به نظر می‌رسید فتحعلی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ هـ ق) به عنوان جانشین او مسیر دشواری در طول سلطنت نداشته باشد، اما این پادشاه در دوره سلطنت خود با بحران‌های متعدد داخلی و خارجی مواجه شد و حکومتی که او به جانشین خود تحویل داد به مراتب ضعیف‌تر از کشوری بود که از آقامحمدخان تحویل گرفته بود. مطامع استعماری روسیه و انگلستان در ایران و جدایی قفقاز از ایران بزرگترین بحران خارجی دوره فتحعلی‌شاه بود که باعث تضعیف حکومت قاجار شد. فرزندان متعدد فتحعلی‌شاه قاجار و رقابت بی‌وقفه آنان با یکدیگر را هم می‌توان بزرگترین بحران داخلی حکومت فتحعلی‌شاه دانست که تأثیرات عمده‌ای بر تحولات عصر این پادشاه بر جای گذاشت.

فتحعلی‌شاه از میان فرزندان متعدد خود عباس‌میرزا را به خاطر توصیه آقامحمدخان و داشتن مادر دولوی قاجار به ولیعهدی برگزید. برادران او در برابر این انتخاب موضع گرفته و خواهان رقابت برای تاج و تخت شدند. از طرفی چون اصول جانشینی قاجار هنوز به صورت کامل تثبیت نشده بود، شجاعت و اقدامات نظامی و امنیتی در مقایسه با انتصاب رسمی به ولیعهدی، نقش مهمی در رسیدن به تاج و تخت ایفا می‌کرد (دروویل، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۶۰). محمدعلی‌میرزا به عنوان فرزند ارشد، سرسخت‌ترین موضع‌گیری‌ها را علیه تصمیم شاه اتخاذ کرد. او با آگاهی از سنت تاریخی ایران که معمولاً زور شمشیر و غلبه نظامی، شخص صاحب حق سلطنت را تعیین می‌کرد، بارها به فتحعلی‌شاه اعلام کرده بود که پس از مرگ شاه، برای رسیدن به تاج و تخت خواهد جنگید. در این شرایط به نظر می‌رسید، جانشینی فتحعلی‌شاه با جنگ به دست خواهد آمد (Wolf, 2012: 222; Ferrier, 1857, 24; keppel, 1827: 2/18; Ouseley, 1823/3: 56; Albemarle, 1877: 197). همچنین حمایت برخی از درباریان و شاهزادگان، امید محمدعلی‌میرزا برای غلبه بر عباس‌میرزا بر سر جانشینی را تقویت می‌کرد (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۶).

انتصاب فرزندان فتحعلی‌شاه با اختیارات گسترده به حکومت ایالات و ولایات، منازعات جانشینی را در بین آنان تشدید کرد. فتحعلی‌شاه حکومت ایالات بزرگ شامل؛ آذربایجان، کرمانشاهان، خراسان، فارس و مازندران را به پنج شاهزاده ارشد متولد سال ۱۲۰۳ هـ ق واگذار کرد. این امر با افزایش قدرت و ثروت فرزندان او، جاه‌طلبی آنها را بیشتر کرد و زمینه‌ساز منازعات بی‌پایان در مسئله جانشینی شاه گردید؛ اما گویا خود شاه دغدغه‌ای نسبت به این رقابت نداشت و سعی می‌کرد تسلط و حکمرانی عالی‌خود را با تشدید این رقابت بین پسرانش تأمین کند (کمبل، ۱۳۸۴: ۱۰۱۹/۲). او اختلافات شاهزادگان را از این منظر که باعث افزایش رقابت و تشدید فعالیت‌های انتظامی و امنیتی آنها در محل حکمرانی‌شان می‌شد، به نفع حکومت قاجار و توسعه قدرت آن می‌دانست و برای تشویق این رقابت گاه به صورت علنی عنوان می‌کرد که پس از او حکومت به فرزند برتر و قوی‌تر خواهد رسید (ملکم، ۱۳۹۷: ۲۲۵؛ گاردان، ۱۳۶۲: ۲۲۳؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۷-۱۶۸).

۲-۲. اقدامات امنیتی و انتظامی محمدعلی میرزا در حکومت کرمانشاهان

محمدعلی میرزا در ساختار نظامی و امنیتی که فتحعلی شاه برای حکومت قاجار طراحی کرده بود، نقش کلیدی داشت و از اختیارات تفویض شده از جانب شاه و فضای رقابتی ایجاد شده بین شاهزادگان قاجار، برای افزایش توان امنیتی و نظامی و تثبیت موقعیت خود در منطقه تحت حاکمیتش، به خوبی بهره گرفت و به مانند شاه محلی در غرب کشور، برای تبدیل خود به قدرتمندترین شاهزاده کشور و رقابت جدی عباس میرزا اقداماتی انجام داد که عبارتند از:

۲-۲-۱. برقراری نظم و امنیت در کرمانشاهان

امنیت اهمیت ویژه‌ای در زندگی انسانها دارد، به گونه‌ای که فلسفه تشکیل هر حکومتی و رضایت مردمان به اطاعت از حکومت‌کنندگان بیشتر به خاطر برقراری امنیت و حفظ جان و مال مردم از دست‌اندازی دیگران است (هابز، ۱۳۸۰: ۱۸۹). منطقه کرمانشاهان پیش از حاکمیت محمدعلی میرزا، به خاطر غارتگری‌های ایلات و عشایر از امنیت لازم برخوردار نبود و به همین خاطر اوضاع اقتصادی و اجتماعی پریشان و نابسامانی داشت (کرمانشاهانی، ۱۳۷۳، ۱۴۱/۱؛ شیروانی، ۱۳۳۹: ۹۲-۴۹۱). او برای اعاده نظم و امنیت در منطقه، نیرویی متشکل از یک هزار پیاده‌نظام و پانصد سواره نظام ترتیب داد. برای جلوگیری از تعدی این مأموران به جان و مال مردم و تبدیل شدن آنها به عامل غارت و ناامنی، برای آنها لباس، اسباب جنگ و حقوق مشخصی تعیین کرد و بر فعالیت‌های آنها نظارت شدیدی اعمال کرد. علاوه بر این، ایلات منطقه را که معمولاً عامل ناامنی و غارت بودند، در تأمین امنیت وارد کرد (Buckingham, 1829: 102-103, 11). او با این تمهیدات، از کوچک‌ترین جرائم چشم‌پوشی نمی‌کرد و سخت‌ترین مجازات را برای مجرمان و برهم‌زنندگان امنیت مردم در نظر می‌گرفت (دوکوتزبونه، ۱۳۶۵: ۲۸۰).

محمدعلی میرزا برای تأمین امنیت در مرزها و حفاظت از منطقه تحت حاکمیتش، استحکامات دفاعی و سربازخانه‌ها در مناطق مرزی احداث کرد (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۳۹؛ KerPorter, 1822: 1/202). هم‌چنین به مرمت و بازسازی برخی از قلاع نظامی از جمله صالح آباد و فلک الافلاک که نقش مهمی در برقراری امنیت در منطقه داشتند؛ مبادرت ورزید. او برای کنترل ایلات و عشایر، برنامه‌های مشخصی برای کوچ و سکونت

آنها در نظر گرفت و با این سیاست آنها را تحت سلطه دیوانسالاری خود درآورد و آنها را وادار به پذیرش مسئولیت در قبال امنیت منطقه کرد (تفرشی: ۹۰؛ راولینسون، ۲۵۳۶: ۹۴؛ محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۱۸، ۲۵).

برقراری امنیت و نظم عامل مهمی در مشروعیت بخشی به حکومتها ایفا می کند، بنابراین ایجاد نظم و امنیت در کرمانشاهان و غرب کشور، مورد توجه بازرگانان و مردم منطقه قرار گرفت و محبوبیت و مشروعیت محمدعلی میرزا را به نحو بارزی افزایش داد (کرمانشاهانی، ۱۳۷۳، ۱/ ۲۳۳-۲۳۲؛ ریچ، ۱۴۲۹: ۲۰۹-۲۰۸). آوازه امنیت و ثروت کرمانشاهان و حمایت محمدعلی میرزا از نخبگان، در گوشه و کنار ایران پیچید و دربار او، مأمون گروهی از اهل ادب و دین و دیوانیان گردید (کرمانشاهانی، ۱۳۷۳: ۱/ ۲۳۲؛ تنکابنی، ۱۳۸۹: ۴۴). او با احداث بناهای عمومی از جمله بازارها و کاروان سراها که مقدمه ای بر توسعه اقتصادی و تجاری بود، تجار و کسبه را در آنجا مشغول به کار کرد. او همچنین با توسعه بازار کرمانشاهان، رونق ویژه ای به شهر بخشید. او این شهر را به مرکز تجارت ایران با عراق عرب تبدیل کرد. با این اقدامات، سطح رفاهی مردم کرمانشاهان به نحو بارزی ارتقا یافت (طهرانی، ۱۳۷۶: ۹۲؛ سلطان محمد میرزا قاجار، ۱۳۶۴: ۲۶۱-۲۵۵؛ دوید، ۱۳۸۴: ۳۳۷-۳۳۸، ۳۴۶؛ 202: 2/ KerPorter, 1822؛ 25-24: Ferrier, 1857). در سایه این فعالیتها و امنیت پایدار در غرب کشور، تجارت منطقه رونق بسزایی یافت و گاهی در عرض یک ماه بالغ بر بیست هزار حیوان بارکش از مسیرهای ارتباطی کرمانشاهان عبور می کرد (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۴۰-۳۳۹).

محمدعلی میرزا با زیردستانش به نیکی رفتار می کرد، اما مراقب بود که این گروه با توسل به وابستگی به حکومت عامل بر هم زنده امنیت جانی و مالی مردم نگردند و در این راستا جلوی تعدی مأموران حکومتی به مردم را می گرفت (غفاری کاشانی، ۱۳۴۱: ۴۶۸). او همچنین در برابر تنوع قومی و مذهبی در منطقه، مدارا و تساهل خاصی داشت. اهل حق که در کرمانشاهان زندگی می کردند، در قشون او حضور داشتند و رؤسای آنها از حمایت وی برخوردار بودند (Amanat, 2011: 2/147-149). در سایه اقدامات امنیتی و اقتصادی محمدعلی میرزا، جمعیت کرمانشاهان در بین سالهای ۱۲۳۷-۱۲۱۰ هـ ق در حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافت و از نه هزار نفر به دوازده

هزار نفر (اولیویه، ۱۳۷۱: ۳۴؛ شیروانی، ۱۳۳۹: ۸۳۹) و یا به روایتی به پانزده هزار نفر رسید (KerPorter, 1822: 2/202).

۲-۲-۲. اصلاحات نظامی در قشون کرمانشاهان

در تاریخ ایران قدرت نظامی مهم‌ترین وسیله و عامل برای رسیدن به حکومت و سلطنت و به دنبال آن تأمین امنیت بود. اصولاً حکومتی که از قدرت نظامی کافی برخوردار نبود، توان لازم برای تأمین امنیت را هم نداشت. آقامحمدخان علی‌رغم محدودیت شدیدی که به خاطر شرایط جسمی و اختلافات ایلی و خانوادگی با آن مواجه بود، با توسل به قدرت نظامی و تدابیر امنیتی-سیاسی، خود را به مقام پادشاهی ایران رساند؛ بنابراین انتخاب عباس میرزا به مقام ولیعهدی، اگر با غلبه نظامی همراه نبود، ضمانت لازم را برای رسیدن او به سلطنت فراهم نمی‌کرد. این واقعیت، کلید رقابت همه جانبه محمدعلی میرزا با عباس میرزا بود و همچنین توجه جدی محمدعلی میرزا به قشون و بازسازی آن را توجیه می‌کند.

عباس میرزا پیشگام اصلاحات نظامی در دوره قاجار است. در مقابل برخی از اروپایی‌ها، محمدعلی میرزا را مخالف نوگرایی در ارتش و پایبند به شیوه‌های سنتی می‌دانند (موریه، ۱۳۷۶، ۲/۲۵۴؛ جونز، ۱۳۸۶: ۱۵۹)؛ اما گزارش‌های دیگر، علاوه بر نشان دادن برتری نظامی او نسبت به سایر شاهزادگان (گاردان، ۲۲۳: ۱۳۶۲؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۶؛ Ouseley, 1823: 3/55-56)، بیانگر این است که محمدعلی میرزا نه تنها با نوسازی در ارتش مخالف نبود، بلکه به توانایی این روش آگاه بود و اقدامات متعددی برای اصلاح قشون انجام داد.

از دید محمدعلی میرزا، نامنظم بودن لشکریان و تعداد کم آنها، می‌توانست عامل ناکامی در برابر رقبا باشد (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۴۸-۱۴۷)؛ بنابراین او افسران اروپایی را به خدمت گرفت و آنها به بخشی از قشون محمدعلی میرزا تعلیم داده و به شکل ارتش پیاده‌نظام منظم اروپایی درآوردند (Atkin.1980. 117؛ Ringer, 2001: 39؛ 1/18-19؛ Keppel, 1827). این افسران از احترام زیادی نزد او برخوردار بودند و حقوق و مزایای مکفی دریافت می‌کردند. آنها در اغلب سفرهای جنگی وی را همراهی می‌کردند (Money. 1828:199). او با کمک این افسران، کارخانه تفنگ‌سازی ایجاد کرد و برای تأمین امنیت

تختگاه خود، حصار وسیعی به دور شهر کرمانشاهان کشید (گروته، ۱۳۶۹: ۹۲). سیاح انگلیسی (باگنهایم) در بازدید از کرمانشاهان (۱۲۳۲ هـ ق. / ۱۸۱۶ م.)، گزارش داده است که محمدعلی میرزا یک تازه مسلمان روسی به نام یوسف خان را به خدمت گماشته است که منصب توپچی باشی دارد و مهمات و باروت مورد نیاز شاهزاده را در کارگاه ریخته‌گری تولید می‌کند (Buckingham, 1829: 102-103. 110). این اطلاعات دو سال بعد (۱۲۳۴ هـ ق. / ۱۸۱۸ م.) توسط سر روبرت کرپورتر^۱ تکمیل شد. او معتقد است محمدعلی میرزا اصلاحات نظامی به شیوه اروپایی را به تقلید از عباس میرزا انجام می‌داد. او هم چنین از حضور دو افسر فرانسوی و ارمنی در حال ساخت توپ و مهمات در اطراف کرمانشاهان سخن گفته است؛ اما وضعیت پیاده‌نظام و توپخانه او را نامناسب‌تر از قشون آذربایجان می‌داند. هر چند از نظر او با ورود یک افسر ارمنی تحولات مثبتی در قشون کرمانشاهان اتفاق افتاده بود (KerPorter, 1822: 2/181).

اکثریت قشون محمدعلی میرزا را کردها تشکیل می‌دادند و زیر نظر افسران فرانسوی آموزش می‌دیدند (Ferrier, 1857: 24). علی‌رغم اینکه قشون محمدعلی میرزا از اقوام و طوایف متعددی تشکیل یافته بود، اما او نظم و انضباط آهنینی بین آنان برقرار کرده بود و همه نیروها زیر پرچم او به صورت متحد و یکپارچه عمل می‌کردند. از طرفی به خاطر اینکه لیاقت و کاردانی مبنای رسیدن به مقامات بالای نظامی بود، رقابت همه جانبه‌ای برای رسیدن به مدارج بالای نظامی در قشون وجود داشت و فرماندهان نظامی او افراد کاردان و توانمندی بودند (ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۸۷؛ ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۷۵؛ ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۵). از طرفی چون معمولاً ایلات و عشایر عامل ناامنی‌ها و غارت‌ها هستند، محمدعلی میرزا با وارد نمودن آنان در ساختار نظامی و امنیتی حکومت خود، نظم و امنیت پایداری در محل حکمرانی خود ایجاد کرد.

فتحعلی شاه برای اعمال کنترل مؤثر بر فرزندان و ایجاد تعادل در قدرت آنان، معمولاً تعداد لشکریان تحت امر آنها را مشخص می‌کرد، اما تعداد سپاهیان محمدعلی میرزا بیش از آن چیزی بود که شاه مقرر کرده بود (Atkin, 1980. 117). او جنگ دائمی در مرزهای غربی را عامل این افزایش می‌دانست، اما به نظر می‌رسد هدف اصلی از این کار، افزایش توان نظامی برای رسیدن به سلطنت پس از مرگ فتحعلی شاه

1- Sir Robert. KerPorter

بود (گروته، ۱۳۶۹: ۹۰). قشون محمدعلی میرزا، حکومتی توأم با اقتدار و صلابت برای او ایجاد نمود و در برابر شورش‌های داخلی و جنگ با پاشاهای مرزنشین عثمانی کارایی خود را به خوبی نشان داد و در سایه این فعالیت‌ها، امنیت پایداری در حکومت او ایجاد شد. محمدعلی میرزا در منطقه‌ای از کشور حکومت می‌کرد که به خاطر ساختار ایلی و وجود نیروهای گریز از مرکز، عامل اطاعت مردمان این منطقه از حکومت مرکزی بیشتر زور و شمشیر بود، بنابراین او توانست بر این نیروها فائق آید و از آنها در جهت اهداف امنیتی و نظامی سود جوید.

۳-۲-۲. اقدامات امنیتی و انتظامی داخلی و خارجی محمدعلی میرزا

۳-۲-۳-۱. تنظیم روابط حکام اردلان با حکومت مرکزی و استفاده از توان نظامی آنها

محمدعلی میرزا برای تحکیم پایه‌های قدرت خود در کرمانشاهان و تشکیل حکومت مقتدر در غرب کشور و آماده شدن برای رقابت بر سر جانشینی فتحعلی شاه، به سرکوب و همراه کردن حکام محلی و طوایف مخالف قاجارها پرداخت. حکام منطقه اردلان در دوره سلطنت فتحعلی شاه نقش مهمی در امنیت مرزهای غربی ایران ایفا کردند. هر چند این منطقه در امور داخلی مستقل عمل می‌کرد، ولی همیشه مطیع و فرمانبردار حکومت مرکزی قاجار بود. امان‌الله خان اردلان در طول مدت حکمرانی (۱۲۱۴ هـ ق - ۱۲۴۰ هـ ق) از هیچ تلاشی برای نزدیک شدن به حکومت مرکزی قاجار کوتاهی نکرد (سنندجی، ۱۳۷۵: ۱۸۶؛ مستوره اردلان، ۲۰۰۵: ۱۹۱). در این بین محمدعلی میرزا به عنوان حاکم کرمانشاهان نقش واسطه‌ای را برای ایجاد تعادل در بین حکام محلی غرب کشور بر عهده داشت. امان‌الله خان در سال ۱۲۲۱ هـ ق / ۱۸۰۶ م. به دنبال تیرگی روابط بین ایران و عثمانی اولین نقش‌آفرینی مهم را انجام داد و با پناهنده شدن عبدالرحمن پاشا به کردستان، از او پشتیبانی کرد (مردوخ، ۱۳۷۹: ۳۸۰). در جنگ بین ایران و عثمانی در این سال، امان‌الله خان با قشون ده هزار نفره خود در پیروزی ایران و نصب عبدالرحمن پاشا به حکومت شهرزور نقش مؤثری داشت (سپهر، ۱۳۹۰: ۱ / ۱۵۶-۱۵۴). محمدعلی میرزا با آگاهی از قدرت نظامی بالای حکام اردلان، روابط مستحکمی با آنها برقرار کرد و در جنگ با عثمانی‌ها از حمایت آنها برخوردار شد (منصف اردلان، ۲۵۳۶: ۹۲؛ شافعی، ۱۳۷۸: ۷۸۶).

۲-۲-۳-۲. برقراری امنیت در میان ایل بختیاری

با روی کار آمدن فتحعلی شاه، بختیاری‌ها به رهبری اسدخان شورش کردند و امنیت مناطق غرب و جنوب غرب کشور را مختل کردند (اوژن بختیاری، ۱۳۴۵، ۱/ ۳۳). در سال ۱۲۲۷ هـ ق./ ۱۸۱۲ م. تلاش حکومت مرکزی برای سرکوب او راه به جایی نبرد و اسدخان با استقرار در دژ ملکان، علم استقلال در مقابل حکومت مرکزی برافراشت (هدایت، ۱۳۸۰، ۹/ ۷۷۰۳-۷۷۰۲؛ مارکام، ۱۳۶۴: ۱۳۶). با عدم موفقیت حکومت مرکزی در سرکوب اسدخان، محمدعلی میرزا در سال ۱۲۳۱ هـ ق برای سرکوب او روانه قلعه ملکان شد و اسدخان با گرفتن اطمینان با او همراه شد و تا زمان مرگ محمدعلی میرزا در رکاب او بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۱/ ۱۵۲؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۱/ ۱۳۵؛ سردار اسعد بختیاری، ۱۳۹۰: ۴۱۱-۴۱۰). برخورد محمدعلی میرزا با اسدخان به عنوان الگویی برای برخورد و تعامل حکومت قاجار با ایلات و طوایف در قرن نوزدهم تبدیل شد (Khazeni, 2009: 48). حمایت محمدعلی میرزا از سران ایلات و طوایف و جلب اعتماد آنها، باعث شکل‌گیری ائتلاف بین او و ایلات و عشایر منطقه شد. این مسئله نه تنها باعث برقراری امنیت در غرب کشور شد، بلکه منجر به حمایت نظامی آنها از محمدعلی میرزا گردید و او امیدوار به بهره‌گیری از آنها در مبارزه برای تاج و تخت بود (ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۴۸؛ ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۴).

۲-۲-۳-۳. سرکوب شورش‌های خوزستان

در سال ۱۲۲۱ هـ ق./ ۱۸۰۶ م. به دستور فتحعلی شاه خوزستان از نظر اداری به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. بخش شمالی آن شامل شوشتر، دزفول و هویزه به محمدعلی میرزا تفویض شد و بخش جنوبی آن به حسینعلی میرزا حکمران فارس واگذار گردید (لطیف پور، ۱۳۸۶: ۱۱۱؛ صداوی، ۱۳۷۹: ۸۰). با این تقسیم‌بندی، محمدعلی میرزا، ابوالفتح خان کلانتر حاکم یاغی شوشتر را سرکوب کرد و نظم و امنیت را در این منطقه برقرار نمود (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۹۵).

اعراب بنی‌کعب خوزستان یکی دیگر از قدرت‌های محلی نافرمان بودند که در دوره افشار و زند از قدرت زیادی برخوردار بودند (پری، ۱۳۶۵: ۲۳۵؛ افشار، ۱۳۸۲: ۶۲). در دوره فتحعلی شاه، شیخ محمد برکات کعبی از پرداخت مالیات به حکومت مرکزی سر باز

می‌زد (مانع، ۱۷۳: ۱۳۷۲-۱۷۲). در سال ۱۲۳۱ هـ. ق. / ۱۸۱۵ م. محمدعلی میرزا به خوزستان لشکرکشی کرد و اعراب بنی کعب را سرکوب و آنها را ملزم به پرداخت مالیات و اطاعت از حکومت قاجار نمود (کسروی، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

۴-۳-۲. برقراری نظم و امنیت در پشتکوه و پیشکوه

والیان فیلی لرستان در دوره افشار و زند از قدرت زیادی برخوردار بودند (نامی- اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۲۹-۱۲۳؛ لاکهارت، ۱۳۹۴: ۱۱۷). این مسئله با سیاست تمرکز قدرت فتحعلی‌شاه قاجار در تعارض بود. بسط قدرت حکومت قاجار در لرستان و برقراری امنیت در آن منطقه به وسیله محمدعلی میرزا اجرا شد. او با ایجاد اختلاف و نزاع در میان خاندان والیان لرستان قدرت آنان را تضعیف کرد. سپس قسمتی از قلمرو حسن خان والی که شامل کبیرکوه (پیشکوه) می‌گردید را از دست او خارج کرد. با ادامه این روند حسن خان به ناچار از قلعه‌ی فلک الافلاک و نیمی از قلمرو خود چشم‌پوشی کرده و دستگاه آباء و اجدادی خود را به پشتکوه منتقل کرد و نظم و آرامش در این منطقه برقرار شد (ادموندز و دوبد، ۱۳۶۲: ۳۸؛ دوبد، ۱۳۸۴: ۴۲۷-۴۲۶). به این ترتیب طایفه فیلی که تا این زمان به ندرت از حکومت‌های مرکزی ایران اطاعت می‌کرد: «درهم به خروار و زر به قنطار» به محمدعلی میرزا پرداخت نمود (محمود میرزا، بی‌تا: ۱۷۴). محمدعلی میرزا که بخش پیشکوه به حوزه قلمرو او اضافه شده بود، در انتصاب حاکم خرم‌آباد و امورات مربوط به آن نقش بسزایی ایفا کرد (ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۳). او همچنین از نفوذ حسن خان والی برای برقراری نظم و امنیت و انتظام بخشیدن به ولایات غربی استفاده کرد (سردار ظفر بختیاری، ۱۳۶۲: ۴۴-۴۵). حسن خان از این زمان به بعد به خدمت محمدعلی میرزا درآمد و همواره با نیروهای تحت امر خود که گاه تا سه هزار نفر می‌رسید، به عنوان یک فرمانده نظامی مطیع، به این شاهزاده خدمت کرد و تا زمان مرگ محمدعلی میرزا در رکاب او بود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ۱/ ۵۳۹؛ عزاوی، ۱۴۲۵: ۱/ ۲۸۸، ۳۱۵).

محمدعلی میرزا با ازدواج‌های مصلحتی، بسیاری از ایلات و طوایف لرستان را وابسته به خود نمود (والی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۰). او با دل‌جویی و مساعدت از خوانین و متنفذین محلی و جلب وفاداری آنها، حاکمیت خود را در منطقه غرب و جنوب غربی ایران تثبیت کرد و امنیت را در این منطقه برقرار نمود (ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۴).

۵-۳-۲. عملکرد محمدعلی میرزا در منازعات مرزی با پاشاهای عثمانی

با روی کار آمدن فتحعلی‌شاه، اختلافات قدیمی ایران و عثمانی، این دو کشور را مجدداً وارد منازعه کرد. مهمترین موارد کشمکش عبارت بود از: الف- تعصبات مذهبی طرفین و آزار و اذیت زوار و تجار ایرانی توسط عثمانی‌ها ب- اختلافات مرزی و کوچ عشایر سرحدی (شانی‌زاده، ۱۲۹۰: ۳۸۴/۲؛ شانی‌زاده، ۱۲۹۱: ۴/۳؛ فرمان فرمائیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۲؛ لمبتن، ۱۳۷۵: ۴۳). فتحعلی‌شاه با انتصاب فرزند ارشد خود به حکومت کرمانشاهان در مرز عثمانی، وی را در رأس این درگیری‌ها قرار داد. انتخاب محمدعلی‌میرزا به عنوان یکی از جاه‌طلب‌ترین و قدرتمندترین فرزندان شاه این پیام را به عثمانی‌ها می‌داد که در مرزهای غربی او هرگز حاضر به گذشت از حاکمیت ایران نیست. این شاهزاده هم از این فرصت برای رقابت با برادرش عباس‌میرزا به بهترین نحو استفاده کرد و با جنگ‌های پیروزمندانه‌ای که در این منطقه ترتیب داد، امنیت کامل را در این بخش برقرار کرد و قدرت خود را به رخ همگان کشید. درگیری‌های محمدعلی-میرزا با عمال عثمانی از سال ۱۲۲۱ هـ.ق. / ۱۸۰۶ م آغاز و تا زمان مرگ او ادامه پیدا کرد. در تمامی این نبردها پیروزی با محمدعلی‌میرزا بود. او در واپسین پیشروی به سمت بغداد در سال ۱۲۳۷ هـ.ق. / ۱۸۲۱ م، به دلیل بیماری درگذشت (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴۱؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۴۵۸/۲).

جاه‌طلبی محمدعلی‌میرزا در غرب ایران و حملات مکرر او به قلمرو عثمانی، با تمایل فتحعلی‌شاه برای احیای قلمرو تاریخی ایران در منطقه عراق عرب همراه شده بود (محمد رفیع افندی، ۱۳۳۳: ۲۴؛ شانی‌زاده، ۱۲۹۰: ۳۰۷-۳۰۶). مهمترین هدف محمدعلی‌میرزا در مرزهای عثمانی این بود که مناطقی را که در گذشته بخشی از خاک ایران بودند را به قلمرو حکومت قاجار ضمیمه نماید. در این میان بغداد مهمترین منطقه‌ای بود که ایرانیان سعی داشتند، حاکمیت عثمانی‌ها را در آنجا تضعیف نمایند و عمال دست‌نشانده خود را در آن شهر سر کار آورند. همین مسئله شرایط را برای دخالت مؤثر محمدعلی‌میرزا در دیگر مناطق هم مرز با عثمانی از جمله بابان و شهر زور فراهم نمود (شانی‌زاده، ۱۲۹۰: ۴۰۶/۱، ۲/۲۹۱-۲۹۰ و ۳۰۷-۳۰۶؛ عزاوی، ۱۴۲۵: ۶/۲۸۷، ۳۸۰؛ زکی بیگ، ۱۳۸۱: ۱۶۷). همچنین از دید محمدعلی‌میرزا، حمله به بغداد نوعی اعتراض و نمایش نظامی و به رخ کشیدن قدرت جنگی به فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا بر

سر مسئله ولیعهدی بود. (Atkin.1980.115) دستگاه رسمی عثمانی هم این حملات را ناشی از اختلافات داخلی خاندان حاکمه ایران می‌دانست (Uluerler, 2012: 312). عباس میرزا هم زمان با برادر رقیبش مشغول جنگ با روسیه بود، اما بر خلاف او در اغلب نبردها شکست خورد و نتوانست تمامیت ارضی ایران را در منطقه قفقاز حفظ نماید. اگرچه مقایسه روس‌ها با عثمانی‌ها نادرست است و قدرت و توان نظامی طرفین یکسان نبود، اما محمدعلی میرزا برخلاف عباس میرزا چهره یک شاهزاده جنگجو، پیروز و مقتدر را در اذهان ترسیم کرد.

سرروبرت کرپورتر در رابطه با نقش محمدعلی میرزا در تنش با عثمانی بیان می‌کند که او سالانه نزدیک به سی هزار تومان از پاشاهای بغداد باج می‌گرفت و می‌دانست که چگونه خودش را ترسناک جلوه دهد و دشمنان خود را به دوست تبدیل کند (2/202: kerPorter.1822). ترس و وحشت عمال عثمانی از قدرت محمدعلی میرزا نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف او در مرزهای غربی ایران داشت (اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس روس و عثمانی، ۱۳۶۵: ۱/۲۸۶-۲۸۸). در سال ۱۲۲۲ هـ ق ملاقاسم، کاتب عبدالرحمن پاشا حاکم بابان، شرح موجزی از عجز و ناتوانی عمال عثمانی در برابر اقدامات محمدعلی میرزا ارائه کرده است: «در برابر فشارهای حکومت ایران، چون راه فرار و پناه بردن به سوی حکومت عثمانی که ولی نعمت ما است، وجود نداشت، لاجرم جسارت کردیم و به بندگی ایرانیان و دادن مالیات و گروگان و پوشیدن خلعت نوروز را که بر خلاف دین و آیین ما بود، تن دادیم» (محمد رفیع افندی، ۱۳۳۳: ۲۱). محمدعلی میرزا هم‌چنین با دخالت در امور بغداد و کمک به مدعیان قدرت در این منطقه، باج‌های سنگینی بر آن‌ها تحمیل می‌کرد (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۴۸؛ محمود میرزا، ۱۳۸۹: ۱۸۹). او سعی داشت با انتصاب افراد دست‌نشانده در بغداد اهداف توسعه‌طلبانه خود را دنبال کند (کمبل، ۱۳۸۴، ۱/۴۲۵). حاکمان عثمانی هم‌مرز با ایران علی‌رغم خودداری از پرداخت هدایا و مالیات به باب عالی، با اعمال فشار از جانب محمدعلی میرزا، باج و خراج مقرر را به حکومت ایران پرداخت می‌کردند (محمد رفیع افندی، ۱۳۳۳: ۲۵-۲۴؛ Rich.1836: 2/71). در صورت خودداری از این کار، محمدعلی-میرزا علیه آن‌ها وارد جنگ می‌شد. به همین دلیل عمال عثمانی همواره مراتب وفاداری خود را به محمدعلی میرزا ابراز می‌کردند (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۶۶: ۱/

۲۱۰). او در کنار تهدید و ارعاب از سیاست تحبیب هم نهایت استفاده را می‌برد و برای جلب رضایت و وفاداری پاشاهای بغداد، گاه هدایایی برای آن‌ها می‌فرستاد (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۶۶، ۱/ ۲۵۳). محمدعلی میرزا در نبرد با نیروهای پاشاهای بغداد چندین بار به نزدیکی این شهر رسید، اما وساطت علمای شیعه ساکن در عتبات و احترام محمدعلی میرزا در حق آنان، مانع تصرف این شهر شد (ساکما، ش.س: ۱۸۷/۲۹۱۰۹۹۹؛ محمدعلی میرزا: ۲۶۶-۲۳۵؛ دیلک، ۱۴۲۸: ۱۸۷).

جیمز موریه در سال ۱۲۳۰ هـ ق. / ۱۸۱۴ م. اذعان می‌کند؛ که محمدعلی میرزا با جاه‌طلبی، نفوذ خود را بر دولت عثمانی حفظ کرده و تا زمانی که او در کرمانشاهان حضور دارد پاشاهای عثمانی باید برتری او را بپذیرند (کمبل، ۱۳۸۴، ۱/ ۴۲۳). تحکیم موقعیت ایران در مرزهای غربی به دست محمدعلی میرزا سبب شد تا دولت عثمانی برای برقراری صلح همواره پیشقدم شود و از سفرای ایران در استانبول به خوبی و با احترام تمام استقبال نماید (موریه، ۱۳۷۶، ۲/ ۲۶۱؛ شانی زاده، ۱۲۹۱: ۲/ ۳۶۴-۳۶۳؛ جودت، ۱۳۰۹، ۱۰/ ۲۳۱).

او برای تأمین امنیت مرزهای ایران و گسترش آن به داخل قلمرو عثمانی، از خوانین و جنگجویان کرد در مرزهای مشترک طرفین حمایت می‌کرد و از آنها به عنوان ابزاری برای تحت فشار قرار دادن پاشاهای بغداد بهره می‌گرفت (Amanat, 2011: 2/ 147-149). محمدعلی میرزا با قدرت سرکوبگر نظامی و سیاست‌های امنیتی، بسیاری از امرا و رؤسای سرحدی را وابسته به خود کرد و با بدبین کردن آنها نسبت به حکومت و عمال عثمانی، قدرت خود را در بین آنان تثبیت کرد. او برای تضمین پیروزی، با تدارکات نظامی کامل به جنگ عثمانی‌ها می‌رفت. همچنین برای ایجاد شور و هیجان در بین لشکریان و نشان دادن این که راهی جز مرگ یا پیروزی وجود ندارد، معمولاً کفن خود را هم در نبرد با عثمانی‌ها به همراه می‌برد (Ouseley, 1823: 3/55). این اقتدار و صلابت باعث شد، برخی او را قدرتمندترین حاکم کشور حتی در مقایسه با فتحعلی‌شاه قلمداد نمایند (Buckingham, 1829: 101). وی به خوبی در امور مربوط به انتصاب والی‌های منطقه به نفع دولت ایران عمل می‌کرد و سلطه خود را بر مرزنشینان و پاشاهای عثمانی حفظ کرد (شانی زاده، ۱۲۹۰، ۲/ ۳۰۶-۳۰۷؛ مستوفی، ۱۳۸۶، ۱/ ۳۲). سیاست نظامی او در زمان حضور در کرمانشاهان سبب شد تا حکومت مرکزی قاجار علی‌رغم ناکامی در مرزهای

شمالی، در غرب و جنوب غربی به اقدامات توسعه طلبانه بپردازد؛ اما در نهایت با مرگ او امیدهای ایران برای دخالت در امور عراق عرب خاتمه یافت و جانشینانش نتوانستند از میراث او پاسداری نمایند (Stocqueler, 1823: 1/47). قائم مقام فراهانی درباره‌ی حسن تدبیر او در ارتباط با حکومت عثمانی می‌نویسد: «این ولایت را تا شاهنشاه ملک بارگاه به مرحوم شاهزاده گذاشته بود نگاه داشت سهل است که اگر زنده مانده بود بغداد را هم می‌گرفت و تا به ما سپردند شش ماه نکشید که از دست دادیم سهل است که ذهاب هم بر روی آن برفت» (فراهانی: ۱۳۷۳: ۱۱۲).

۶-۳-۲. جنگ و دیپلماسی با دولت روسیه

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که محمدعلی میرزا قصد داشت در رقابت با عباس میرزا از آن بهره ببرد، جنگ‌های ایران و روسیه بود. او معتقد بود که عباس میرزا توانایی مقابله با سپاه روسیه را ندارد و شاه و عباس میرزا را مسئول شکست از روس‌ها معرفی می‌کرد (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۸-۱۶۷). در سال ۱۲۲۴ هـ ق. / ۱۸۰۹ م. در زمان حضور محمدعلی میرزا در رکاب فتحعلی‌شاه، خبر تحركات جدید روس‌ها در تفلیس و قره‌باغ به شاه رسید (هدایت، ۱۳۸۵، ۷۶۱۲/۹؛ لنجانی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۴۴-۱۴۳). محمدعلی میرزا که شرایط را مساعد دید با اصرار و اعمال فشار، شاه را مجبور کرد تا او را به مقابله با روس‌ها اعزام کند (Atkin.1980.117). او از فرصت پیش آمده برای نمایش قدرت بالای نظامی خود و تحقیر سیاست نظامی عباس میرزا به بهترین وجه بهره گرفت و در درگیری کوتاه مدت با قشون روس، پیروزی به دست آورد. طی زدوخورد او با نیروهای روس در محال حمان‌لو تعداد زیادی از سپاهیان روس کشته و اسیر شدند. محمدعلی میرزا سپس به سمت تفلیس به حرکت درآمد و در آن نواحی به قتل و غارت قبایل بورچالو، ارمنی و گرجی دست زد (دنبلی، ۱۳۸۵: ۱۷۷؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۵۸). پس از این درگیری‌ها در نزدیکی ایروان خبر تزلزل عباس میرزا در مقابل سپاه روس را شنید، به همین دلیل حسین خان قاجار را به همراه گروهی برای کمک به او فرستاد. با رسیدن آن‌ها عباس میرزا روس‌ها را عقب راند و در چمن گوگچه اردو زد. محمدعلی میرزا با شنیدن این خبر به ملاقات او رفت و پس از آن به دستور شاه به کرمانشاهان بازگشت (دنبلی، ۱۳۸۵: ۱۸۳؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۳۵۸). پیروزی محمدعلی میرزا در مقابل سپاه روسیه علی‌رغم آن‌که دستاورد ماندگاری برای سپاه ایران

نداشت، اما می‌توانست با نشان دادن برتری نظامی او، مقام و جایگاه عباس‌میرزا را به عنوان فرمانده نبرد با روس‌ها به چالش بکشاند.

اختلافات فرزندان فتحعلی‌شاه به خصوص محمدعلی‌میرزا و عباس‌میرزا بر سر ولیعهدی با دخالت روس و انگلیس پیچیده‌تر شد. به خصوص عباس‌میرزا که جایگاه خود را متزلزل می‌دید، در صدد جلب کمک دول خارجی برای تضمین جایگاه خود بر آمد. بر این اساس دولت انگلیس در فصل یازدهم عهدنامه ۱۲۲۷ هـ.ق/۱۸۱۱ م. و همچنین در فصل دوم عهدنامه سال ۱۲۲۹ هـ.ق/۱۸۱۳ م. ولیعهدی عباس‌میرزا را به رسمیت شناخت (نفیسی، ۱۳۸۹، ۲/ ۲۳۰-۲۲۹). دولت روسیه هم در بند چهارم عهدنامه گلستان به حمایت از ولیعهد منتخب فتحعلی‌شاه تعهد داد (سپهر، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۴۲). یرملوف فرستاده دولت روسیه به دربار ایران در سال ۱۲۳۲ هـ.ق/۱۸۱۷ م با آگاهی از رقابت بین عباس‌میرزا و محمدعلی‌میرزا، با گوشزد کردن خطراتی که از جانب عباس‌میرزا متوجه دولت روسیه می‌شد (اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه، ۱۳۸۷: ۵۸۸-۵۸۹) به محض رسیدن به ایران برای تحت فشار قرار دادن عباس‌میرزا، روابط پنهانی خود را با محمدعلی‌میرزا آغاز کرد و در چمن سلطانیه با او ملاقات کرد (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۱۹۴). یرملوف برای ارتباط بیشتر با محمدعلی‌میرزا یک نفر ارمنی را به بهانه خرید اسب نزد او فرستاد و برای اقدامات متقابل بعد از فوت فتحعلی‌شاه به منظور رساندن محمدعلی‌میرزا به تاج و تخت سلطنت ایران به صورت محرمانه با او مذاکره کرد (تیموری، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۰۶۸-۱۰۶۷). یرملوف به او وعده داد که در منازعات جانشینی بعد از مرگ فتحعلی‌شاه، دولت روسیه از او حمایت خواهد کرد. نقشه اصلی یرملوف این بود که پس از مرگ فتحعلی‌شاه، نیروهای روسیه، ایروان را اشغال کنند و با مشغول کردن لشکریان عباس‌میرزا، زمینه به تخت نشستن محمدعلی‌میرزا فراهم شود (نفیسی، ۱۳۸۹، ۲/ ۵۴۱). همراهی محمدعلی‌میرزا با سفیر روسیه نشان می‌دهد که او نیز به تأثیرگذاری روس و انگلیس در فرایند جانشینی در ایران پی برده بود و در تلاش بود تا از همه ابزارهای لازم برای رسیدن به قدرت استفاده نماید. عباس‌میرزا متوجه این روابط شد و بلافاصله پس از بازگشت یرملوف به روسیه، محمدحسن‌خان نامی را روانه سن پترزبورگ کرد. این سفیر پس از یک سال با هدایا و نامه‌ای مبنی بر به رسمیت شناختن ولیعهدی عباس‌میرزا از طرف امپراتور روسیه به

ایران بازگشت (کمبل، ۱۳۸۴، ۱/ ۴۳۸). اقدامات یرملوف با مخالفت صریح دربار روسیه مواجه شد (اسچر باتوف، ۱۳۵۳: ۱۸)؛ اما علی‌رغم آن، یرملوف هم‌چنان به‌صورت پنهانی از محمدعلی‌میرزا حمایت می‌کرد. ولی مرگ محمدعلی‌میرزا در سال ۱۲۳۷ هـ ق به این غائله خاتمه داد (نفیسی، ۱۳۸۹، ۵۴۴/۲).

۳. نتیجه‌گیری

حکومت‌های ایرانی اغلب با مشکل جانشینی دست به‌گریبان بودند. این مسئله در دوران فتحعلی‌شاه قاجار به یک بحران تبدیل شد. دلیل این امر را، در وهله نخست باید در فرزندان متعدد او جستجو کرد. خصوصاً اینکه فتحعلی‌شاه نظام اداری کشور را بر مبنای حاکمیت فرزندان خود بنیان نهاد. او برای حذف کانون‌های قدرت محلی و تأمین امنیت در ممالک محروسه ایران و همچنین شریک کردن فرزندان خود در مزایای حکومت ایلی و خانوادگی، به مرور حکومت اغلب ایالات و ولایات کشور را به فرزندان خود سپرد و با نظارت عالی خود اختیارات گسترده‌ای به آنها داد. این اقدام اگرچه باعث تثبیت حکومت او و برقراری امنیت در سراسر کشور شد و مخالفت‌های محلی با حکومت قاجار را به نحو بارزی کاهش داد؛ اما با افزایش قدرت و ثروت شاهزادگان فتحعلی‌شاه، جاه‌طلبی آنها بیشتر شد و بدین وسیله هر یک از آنها ضمن تجربه حکمرانی، در یکی از ایالات و ولایات ایران، خود را لایق جلوس بر جایگاه سلطنت می‌دانستند. این امر زمینه‌ساز منازعات بی‌پایان آنان در مسئله جانشینی گشت و سبب تضعیف جایگاه عباس‌میرزا به عنوان ولیعهد رسمی شد و پای کشورهای روس و انگلیس را هم به این منازعه داخلی گشود.

اوج مسئله رقابت شاهزادگان فتحعلی‌شاهی را باید در دایره رقابت دو برادرِ قدرتمند و جاه‌طلب زاده شده به سال ۱۲۰۳ هـ ق یعنی محمدعلی‌میرزا و عباس‌میرزا جستجو کرد. محمدعلی‌میرزا با استناد به حق ارشدیت، با انتخاب عباس‌میرزا به ولیعهدی به مخالفت پرداخت و به صراحت اعلام کرد که پس از مرگ فتحعلی‌شاه، قدرت و غلبه نظامی سرنوشت مقام شاهی را تعیین خواهد کرد. حکمرانی در غرب کشور به مرکزیت کرمانشاهان فرصت مغتنمی در اختیار محمدعلی‌میرزا قرار داد و او با اقدامات امنیتی و نظامی متعدد، خود را به یکی از قدرتمندترین شاهزادگان کشور و رقیب جدی

عباس میرزا تبدیل کرد و با اقدامات داخلی و خارجی متعدد در پی تبدیل حاکمیت کرمانشاهان به حاکمیت سرتاسر ایران بود.

در بعد داخلی، محمدعلی میرزا در غرب کشور که پس از برافتادن صفویان از ناامنی رنج می‌برد، امنیت برقرار کرد. او در این راستا ایلات و عشایر منطقه را که عامل ناامنی بودند، با روش‌های مختلف مطیع خود کرد و از آنان برای پیشبرد اهداف نظامی و امنیتی خود استفاده کرد. در سایه امنیت و سیاست‌های تشویقی محمدعلی میرزا، مناطق غرب کشور به ویژه شهر کرمانشاهان از رونق و آبادانی برخوردار شدند و این مسئله مشروعیت محمدعلی میرزا را در بین مردم این مناطق به نحو بارزی افزایش داد.

از منظر خارجی حکومت در کرمانشاهان در مرز عثمانی این فرصت را در اختیار محمدعلی میرزا قرار داد تا با جنگ‌های متعدد با پاشاهای مرزی عثمانی منویات حکومت قاجار را در این منطقه اجرا نماید و قدرت نظامی خود را ارتقاء دهد. در نتیجه این اقدامات، او چهره شاهزاده مبارز و پیروز و مدعی جدی منصب ولیعهدی را از خود در اذهان همه ترسیم نمود. او با آگاهی از نقش بی‌بدیل روس و انگلیس در منازعه جانشینی در ایران، با یرملوف روسی وارد مراد شده و تا پایان عمر همواره نیم‌نگاهی به مساعدت‌های احتمالی وی در این مسیر را داشت. مرگ زودهنگام محمدعلی میرزا صحنه رقابت ولیعهدی را از مدعی قدرتمندی خالی کرد و با قدرت‌یابی ایلات و عشایر مرزنشین و پاشاهای عثمانی، امنیت مرزهای ایران از بین رفت.

منابع

- ادموندز، سیسیل جان و بارون دوید (۱۳۶۲). دو سفرنامه دربارهٔ لرستان همراه با رسالهٔ لرستان و لرها نوشتهٔ ولادیمیر مینورسکی، ترجمهٔ سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار، تهران: بابک.
- اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس، روس و عثمانی (۱۳۶۵). به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران: تاریخ ایران.
- اسناد و مکاتبات تاریخی ایران در دوره‌ی قاجاریه (۱۳۶۶). به کوشش محمدرضا نصیری، تهران: کیهان.
- اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه (۱۳۸۷). ترجمهٔ رحیم -مسلمانان قبادیانی و بهروز مسلمانان قبادیانی (رحیمی)، ویرایش حسین احمدی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). نگاهی به خوزستان، تهران: هنر.
- افشار، حسنعلی خان (۱۳۸۲). سفرنامهٔ لرستان و خوزستان، به کوشش حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اوین، ژان (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمهٔ علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اوژن بختیاری، ابوالفتح (۱۳۴۵). تاریخ بختیاری، تهران: بی‌نا.
- اولیویه، آنتوان گیوم (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، ترجمهٔ محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- پری، جان. ر (۱۳۶۵). کریم‌خان زند، ترجمهٔ علی‌محمد ساکی، تهران: نشر نو.
- تفرشی (میر آقایی)، میرزااسیدتقی‌خان، جغرافیای تاریخی لرستان، نسخهٔ خطی خانوادگی.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۹). قصص العلماء، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: علمی فرهنگی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۹۲). تاریخ سیاسی ایران در دوران قاجار، تهران: سخن.
- جودت، احمد پاشا (۱۳۰۹)، تاریخ جودت پاشا، استانبول: عثمانیه مطبعه‌سی.
- جونز، سر هارفورد (۱۳۸۶). خاطرات سر هارفورد جونز، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.

- خاوری شیرازی، فضل الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین، تصحیح ناصر افشارفر، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- خورموجی، میرزا جعفر (۱۳۸۰). نزهت الاخبار، تصحیح و تحقیق سید علی آل داود، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۷). سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: گوتنبرگ.
- دنبلی، عبدالرازق (۱۳۸۳). مآثر السلطانیه، به کوشش فیروز منصوری، تهران: اطلاعات.
- دوبد، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۴). سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا لرستانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوکوتز بوئه، موریس (۱۳۶۵). مسافرت به ایران، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- دولتشاه، محمدعلی میرزا، دیوان دولتشاه، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۳۰۰۳، کتابخانه‌ی مجلس.
- دیلک، قایا (۱۴۲۸)، کربلاء فی الأرشیف العثماني، تعریب حازم سعید منتصر، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- راولینسون، سر هنری (۲۵۳۶). سفرنامه سر هنری راولینوس به لرستان و خوزستان، خرم آباد: انتشارات انجمن ادب و قلم.
- ریچ، کلاودیوس جیمز (۱۴۲۹)، رحله ریج المقیم البریطانی فی العراق عام ۱۸۲۰ الی بغداد- کردستان- ایران، تعریب بهاء الدین نوری، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
- زکی بیگ، محمد امین (۱۳۸۱). زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، تهران: توس.
- ژوبر، پ. امده (۱۳۴۷)، مسافرت به ایران و ارمنستان، ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سایکس، سر پرس (۱۳۸۰). تاریخ ایران، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: افسون.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۹۰). ناسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- سردار اسعد بختیاری (۱۳۹۰). تاریخ بختیاری، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- سردار ظفر بختیاری (۱۳۶۲). یادداشت‌ها و خاطرات سردار ظفر بختیاری، تصحیح الهام وحیدنیا، تهران: یساولی.

- سلطان محمد میرزا قاجار (۱۳۶۴). سفرنامهٔ سیف‌الدوله معروف به سفرنامهٔ مکه، به کوشش علی‌اکبر خداپرست، تهران: نی.
- سنندجی، شکرالله بن عبدالله (۱۳۷۵). تحفه ناصری در تاریخ جغرافیای کردستان، به کوشش حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر.
- شافعی، جلال‌الدین (۱۳۸۷). جوغرافیای تاریخی کوردستان، تاران: بیان آزادی.
- شانی زاده (۱۲۹۰). تاریخ شانی‌زاده، ج ۱ و ۲، طربزون: سلیمان افندی مطبعه‌سی.
- شانی‌زاده (۱۲۹۱). تاریخ شانی‌زاده، ج ۳، استانبول، جریدهٔ حوادث مطبعه‌سی.
- شیروانی، حاج زین العابدین (۱۳۳۹). ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران: سعدی.
- صداوی، علی‌رضا (۱۳۷۹). تاریخ بنی کعب و ماجرای شیخ خزعل، تهران: آفرینه.
- عزاوی، عباس (۱۴۲۵). موسوعهٔ تاریخ العراق بین احتلالین، بیروت: الدارالعربیة للموسوعات.
- عضدالدوله، احمد میرزا (۱۳۷۶). تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- غفاری کاشانی، احمد بن محمد (۱۳۴۱). تاریخ نگارستان، به کوشش مرتضی مدرس گیلانی، تهران: حافظ.
- فراهانی، میرزا ابوالقاسم قائم مقام (۱۳۷۳). منشآت، مقدمه بدرالدین یغمایی، تهران: شرق.
- فرمان فرمائیان و دیگران (۱۳۸۹). جنگ و صلح در ایران دوره‌ی قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون، ترجمهٔ حسن افشار، تهران: مرکز.
- فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). فارسنامهٔ ناصری، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- کرمانشاهانی، آقا احمد (۱۳۷۲). مرآت الاحوال جهان نما، مصحح موسسهٔ علامهٔ مجدد وحید بهبهانی، قم: انصاریان.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). تاریخ پانصد سالهٔ خوزستان، تهران: علمی فرهنگی.
- کشاورز، اردشیر (۱۳۹۵). زندگی و زمانهٔ شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه، کرمانشاه: اردشیر کشاورز.
- کمبل، سرجان (۱۳۸۴). دو سال آخر، به کوشش ابراهیم تیموری، تهران: دانشگاه تهران.
- گاردان، کنت آلفرد (۱۳۶۲). مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی، تهران: نگاه.

- گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیل‌وند، تهران: مرکز.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۹۴). انقراض سلسله‌ی صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لطیف پور، احمد (۱۳۸۶). تاریخ دزفول، تهران: فرهنگ مکتوب.
- لمبتن، ا. ک (۱۳۷۵). ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاودان خرد.
- لنجانی اصفهانی، محمدحسن بن محمدرحیم (۱۳۹۱). جنه‌الخبار، به انضمام نخبه‌الخبار، به تصحیح میر هاشم محدث، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی
- مارکام، کلمنت (۱۳۶۴). تاریخ ایران در دوره‌ی قاجار، ترجمه‌ی رحیم فرزانه، تهران: نشر فرهنگ ایران.
- مانع، جابر جلیل (۱۳۷۲). مسیره الی قبائل الاهواز، قم: بی‌نا.
- محمد رفیع افندی (۱۳۳۳)، ایران سفارتنامه‌سی، استانبول: هلال مطبوعه‌سی.
- محمود میرزا قاجار (۱۳۹۰). عهد حسام (سفرنامه لرستان و خوزستان)، به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- محمود میرزا قاجار (بی‌تا). گلشن محمود، بی‌جا: بی‌نا
- محمود میرزا قاجار (۱۳۸۹). تاریخ صاحبقرانی، به کوشش نادره جلالی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مردوخ کردستانی، آیت‌الله محمد (۱۳۷۹). تاریخ مردوخ، تهران: نشر کارنگ
- مستوره اردلان، ماه شرف‌خانم (۲۰۰۵). تاریخ الاکراد، با موخره میرزا علی‌اکبر وقایع‌نگار، ویرایش جمال احمدی آیین، اردبیل: ناراس.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). شرح زندگانی من، تهران: زوار.
- ملکم، سرجان (۱۳۹۷). نماهایی از ایران: از یادداشت‌های مسافری در شرق، ترجمه شهلا طهماسبی، تهران: ققنوس.
- منصف اردلان، خسروبن محمدبن منوچهر (۲۵۳۶). لب التواریخ: تاریخ اردلان، تهران: کانون خانوادگی اردلان.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس
- نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳). تاریخ گیتی‌گشا، به کوشش سعید نفیسی، تهران: اقبال.

- نظام‌السلطنه مافی، حسینقلی خان (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام‌السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی و دیگران، تهران: تاریخ ایران.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۹). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: اساطیر.
- نواب شیرازی، حاج علی‌اکبر (۱۳۷۱). تذکره دلگشا، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید.
- نواب طهرانی، میرزا مهدی (۱۳۷۶). دستورالاعقاب، تهران: تاریخ ایران.
- والی‌زاده معجزی، محمدرضا، (۱۳۸۰). تاریخ لرستان روزگار قاجار از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹، ویراستار محمدرضا دالوند، تهران: حروفیه.
- هابز، توماس (۱۳۸۰). لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۷۳). فهرس التواریخ، به کوشش میر هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰)، تاریخ روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر
- Albemarle, George (1877). Fifty Years of My Life, NewYork, Henrt Holt And Company
- Atkin. Muriel (1980). Russia and Iran 1828-1780, Texas:The university of Texas.
- Buckingham, James silk (1829). Travels in Assyria, Median and Persia, London; Henry Colburn
- Ferrier, J. P (1857). Carvan Journey and Wanderings in Persia, Afganistan, Turkistan, and Beloochistan, Translated by William Jesse, edited by H. D. Seymous, London: John.
- Keppel, George. (1827). Personal narrative of a journey from India to England, London: Henry Colburn.
- Kerportr, Robert. (1822). Travel in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylonia, London: Longman.
- Khazeni, Arash (2009). Tribes and empire on the Margins of Nineteenth-Century Iran, Washington: University of Washington press.
- Money, R.C. (1828). journal of Tour in Persia, during the years 1824 and 1825, London: tower- Hill.
- Ouseley, William (1823). Travels in Various Countries of the East, More Particularly Persia, London: Rodwel and Martin.
- Rich, H.C., (1836). Narrative of Residence in koordistan, London: Gregg international.

- Ringer, Monica M. (2001). Education, Religion, and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran, California: Mazda.
- Stocqueler, J.H. (1832). Fifteen months Pilgrimage through Untrodden tracts of Khuzistan and Persia in journey from of India to England, London: Saunders and Otley.
- Wolf, Joseph (2012). Travels and Adventures of Joseph Wolf, New York, Cambridge University press.

مقاله‌ها

- اسچرباتوف (۱۳۵۳). «مقدمات جنگ دوم ایران و روسیه»، ترجمه‌ی محمود کی، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی ۵۱، صص ۹۴-۴۷.
- آقازاده، جعفر و فرزاد خوش آب (۱۳۹۵)، «اقدامات محمدعلی میرزا دولتشاه برای ایجاد سپاه مدرن در کرمانشاهان»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۹-۳۸.
- خاکسار، ابراهیم و علی اکبر کجاف (۱۳۹۴). «خاندان دولتشاهی در مواجهه با عثمانی‌ها»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۶، شماره ۶۴، صص ۵۵-۷۶.
- گرواند، مجتبی و فرزاد خوش آب (۱۳۹۸)، «بررسی اقدامات نظامی محمدعلی میرزا دولتشاه در تنش مرزی با دولت عثمانی»، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۱-۲۶.
- نائیان، جلیل و دیگران (۱۳۹۱)، «پیامدهای اجتماعی و سیاسی رقابت محمدعلی میرزا دولتشاه و عباس میرزا»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۰۷-۱۳۷.
- Amanat, Abbas (2011). Dawlatsah, Mohammad-Ali Mirza, in Encyclopedia Iranica, V.2, Fasc.2. pp147-149.
- Uluerler, Sitki (2012), Osmanli-Iran Siyasi İlişkilerinde Iran Şehzadesi Abbas Mirzanın Rolu (1800-1833). Fırat Univesitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt: 22, Sayi:2, Sayfa 308-319

اسناد

- ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۳.
- ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۴.
- ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۰۵.
- ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۴۸.
- ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۷۵.

– ساکما، ش.س: ۲۹۶/۱۳۸۷.

– ساکما، ش.س: ۹۹۹/۲۹۱۰۸.